ادامه از صفحه اول

پایان امپرسیونیست سیاسی

اگر احمدی‌نژاد یک رئالیست تمام‌عیار باقی می‌ماند و برای بسط و گسترش قدرتش به سمت رئالیسم جادویی روی نمی‌آورد، کار اصلاح‌طلبان تمام بود. اگرچه اصلاح‌طلبان با دولت تدبیر و امید با همان سبک و سیاق امپرسیونیستی روی کار آمدند و خودشان بیش از هر کسی می‌دانستند باید سیاست تازه‌ای خلق کنند. اما منافع کثیری راه را بر استراتژی اقلیتی بست و نه‌تنها تغییر و خلق سیاستی رخ نداد، بلکه گذشته قابل دفاع آنان نیز از عیار افتاد و زیر سؤال رفت. اصلاح‌طلبان بیش از هر جناح دیگر برای بازگشت به سیاست، در معنای سیاست بماهو سیاست تلاش می‌کنند. آیا این تلاش‌ها به فرجامی خواهد رسید؟ آنچه بدیهی است سیاست‌ورزی به شیوه سابق دیگر منجر به تخیل و خلاقیت نمی‌شود. به گفته لاکلائو و موفه، راستی‌آزمایی هر سیاستی مستلزم بازتوزیع و بازشناسی است. «بازتوزیع» یعنی برابری از حیث دسترسی به فرصت‌های اقتصادی که در قریب به ۱۶ سال گذشته دور از دسترس مردم بوده و مهم‌تر از همه مفهوم «بازشناسی» است؛ مفهومی برای عدالت در به‌رسمیت‌شناختن گروه‌های مختلف اجتماعی؛ گروه‌هایی که همواره در فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی (مدنی) نادیده گرفته شده‌اند. پیداست هر جریان سیاسی که نتواند راهی به سوی این مطالبات واقعی مردم بگشاید و تغییری در سبک سیاست‌ورزی و زندگی مردم ایجاد کند، محتوم به شکست است.اگر از این منظر به سیاست بنگریم، رقابت و مجادله بین قالیباف و میرسلیم برای استقرار در جایگاه ریاست مجلس قابل تأمل خواهد بود. آنها قبل از رسیدن به این مسند باید به پرسشی اساسی‌تر پاسخ دهند که در این جایگاه چه خواهند کرد؟ آن هم در مجلسی که با آرای چشمگیری شکل نگرفته است. یکی از نقاط ضعف اصولگرایان این است که هرگز به پیروزی خود شک نمی‌کنند و از این‌رو است که بیشترین شکست در عرصه سیاست، خاصه انتخابات را متحمل شده‌اند. دست بر قضا قالیباف و میرسلیم نمایندگان بارز این گونه سیاست‌ورزی هستند. آنچه آینده مجلس را جذاب می‌کند، حضور و ائتلاف نیروهای احمدی‌نژاد با مؤتلفه و میرسلیم است. ائتلافی که برای اصلاح‌طلبان بی‌شباهت به آمیزه‌ای از سبک گروتسک و گوتیک نیست.

بلاتکلیفی در مواجهه با «سرمایه»

در دوره جاری نیز این سه مؤلفه با مصادیقی دیگر قابل شناسایی هستند؛ آمریکا بزرگ‌ترین قدرت نظامی مدعی در جهان است، انگلیسی زبان اصلی یا واسط در بسیاری از مناطق دنیاست و همین‌طور دلار به‌عنوان پول اصلی رایج در جهان شناخته شده است.

می‌توان (بدون قضاوت) ارزیابی کرد که ایران درحال‌حاضر با ابتکارات خود در حوزه نظامی در جایگاهی قابل اعتنا ایستاده است. به همین ترتیب قواعد مختص به خود را در حیطه فرهنگی تعریف کرده که برداشتی از عقبه ایرانی و اسلامی است؛ اما در مؤلفه سوم یعنی «سرمایه» هنوز به تئوری (بخوانید دستگاه فکری) استوار و مشخصی نرسیده است، به‌همین‌دلیل مشاهده می‌شود همان قواعد و رویه‌های ۵۰،۷۰ سال گذشته، بدون نوآوری بنیادی، تکرار می‌شوند؛ شوخی تلخی به نام تدوین سند اصلاح ساختار بودجه‌ریزی کشور از سوی سازمان برنامه و بودجه در سال گذشته و بازنویسی همان رویه‌های چند دهه قبل، مثال خوبی در این حوزه است. در برابر هر نوآوری هرچند کوچک و فرعی نیز مقاومت سیستمی وجود دارد؛ آخرین آن قفل‌کردن کار در اجرای یک فناوری ساده تأمین مالی به نام «تأمین مالی مبتنی بر قرارداد (Lead Firm Fi-nancing)» از سوی همین سازمان بود که آن را یکی از وزارتخانه‌ها پیشنهاد داده بود. رفتار سازمان‌ها و نهادها در حالت بدون تئوری، در همه‌جای دنیا مشابه است: ۱. مسائل جدید را با واگذارکردن به گذر زمان، پاک می‌کنند و ۲. روش‌های کهنه گذشته را تکرار می‌کنند. نتیجه آنکه حذف فقر، با وجود تعهد اخلاقی همه کارگزاران، به مسئله‌ای حل‌نشده تبدیل می‌شود. فقر در جوامعی مانند بشاگرد فقط تکرار می‌شود و به‌علاوه، نقاط جدیدی مانند ماهشهر نیز به آن اضافه می‌شوند. نکات فوق اساسا بیش و پیش از آنکه نماد سبک مدیریت اقتصادی کشور باشند، نشان‌دهنده فقدان تئوری در حوزه تولید و مدیریت «سرمایه» و مهم‌ترین ابزار امروزی آن یعنی فناوری هستند. به این ترتیب رویکرد و عینک مشخصی برای فهم، تحلیل و تدبیر امور اقتصادی و فناوری وجود ندارد. در این حالت، کوشش‌های خوب انجام‌شده در کشور، به اقداماتی کور و بی‌جهت تبدیل می‌شوند. بدون تعیین تکلیف در این حوزه، نه حذف این سازمان و سازمان‌هایی مانند آن در دولت‌های گذشته، نه تجدید حیات آنها و نه حتی تغییر مدیران مشکلی را حل نمی‌کند. اقدام بنیادی، شالوده‌ریزی یک دستگاه فکری منسجم در حوزه «سرمایه» است. کره جنوبی مصداقی از آغاز فرایند با تمرکز بر چند نقطه کانونی و سپس بسط آنهاست که می‌تواند از این حیث الگوی خوبی برای ایران باشد؛ اما هردوی آنها ابتدا با یادگیری از جهان و به‌عبارتی نوآوری یادگیرنده (learning Innovation) آغاز کردند و سپس خود مدعی عرصه نوآوری در حوزه تولید و مدیریت «سرمایه» شدند. کپی‌برداری در کشورداری نه درست است و نه امکان‌پذیر؛ اما ایده‌برداری درست و ممکن است. اغلب کشورهای صاحب موفقیت مانند دو مورد فوق، شاید صاحب قدرت نظامی و به‌ویژه فرهنگ مختص به خود بوده‌اند، اما آنگاه قدرت گرفتند که تکلیف خود را با «سرمایه» روشن کردند.

مقام معظم رهبری در سخنان زنده و تلویزیونی به‌مناسبت روز جهانی قدس:

عرصه جهاد در همه سرزمین‌های فلسطینی گسترش یابد

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری، روز گذشته در سخنانی به مناسبت روز جهانی قدس با اشاره به گشوده‌شدن فصل جدیدی در مبارزه برای فلسطین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور جبهه مقاومت و تغییر موازنه قدرت به نفع مبارزان، هفت توصیه مهم را درباره ادامه جهاد بزرگ و مقدس کنونی بیان و تأکید کردند: اصلی‌ترین توصیه، تداوم مبارزه و گسترش عرصه جهاد در همه سرزمین‌های فلسطینی است و بی‌گمان ویروس صهیونیسم دیری نمی‌پاید و با همت و ایمان و غیرت جوانان، از این منطقه ریشه‌کن و ازاله خواهد شد.

مقام معظم رهبری در ابتدای سخنانشان با تبریک پیشاپیش عید سعید فطر به همه مسلمانان جهان، تعیین روز قدس را ابتکار هوشمندانه امام خمینی و حلقه وصل مسلمانان برای هم‌صدایی درباره قدس شریف و فلسطین مظلوم خواندند و با اشاره به استقبال ملت‌ها از روز قدس گفتند: سیاست عمده استکبار و صهیونیسم، کم‌رنگ‌کردن مسئله فلسطین در ذهنیت جوامع مسلمان و به سمت فراموشی راندن آن است؛ اما فوری‌ترین وظیفه، مبارزه با این خیانت است و قطعا غیرت و اعتمادبه‌نفس و هوشمندی روزافزون ملت‌های مسلمان اجازه فراموش‌شدن آن را نخواهد داد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای غصب کشور فلسطین و تشکیل غده سرطانی صهیونیستی با فجیع‌ترین انواع قتل و جنایت و تداوم ده‌ها ساله این ستم تاریخی را یک رکورد جدید از سَبعیّت و شیطان‌صفتی بشر، برشمردند و افزودند: عامل و مجرم اصلی این فاجعه، دولت‌های غربی و سیاست‌های شیطانی آنها بود که هدف اصلی آنها و کمپانی‌داران یهودی از ایجاد دولت صهیونیست و تجهیز آن به انواع امکانات حتی تسلیحات اتمی، ایجاد یک پایگاه دائمی در منطقه و امکان دخالت و تسلط بر کشورهای آن بود.

ایشان افزودند: متأسفانه اغلب دولت‌های عرب نیز پس از مقاومت‌های نخستین، به‌تدریج تسلیم شدند و با فراموشی وظیفه انسانی و اسلامی و سیاسی و غیرت و نخوت عربی، به هدف‌های دشمن کمک کردند.

مقام معظم رهبری نتیجه این تسلیم را کشانده‌شدن مسیر مبارزه به راه بی‌فرجام مذاکره با اشغالگر و حامیانش دانستند و خاطرنشان کردند: در چنین شرایطی طلوع انقلاب اسلامی در ایران فصل جدیدی در مبارزه برای فلسطین گشود و با ظهور جبهه مقاومت کار بر رژیم صهیونیستی سخت‌تر شد و البته در آینده بسی سخت‌تر خواهد شد.ایشان در توصیف صحنه کنونی مبارزه گفتند: در این عرصه، جبهه مقاومت رو به اقتدار و امید فزاینده و در مسیر جذب روزافزون عناصر قدرت است؛ اما جبهه ظلم و کفر و استکبار روزبه‌روز تهی‌تر، مأیوس‌تر و کم‌توان‌تر می‌شود.

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درعین‌حال عرصه مبارزه را به‌شدت خطیر و تغییرپذیر و نیازمند مراقبت دائمی خواندند و تأکید کردند: هرگونه غفلت و سهل‌اندیشی و خطا در محاسبات اساسی در این مبارزه بسیار مهم و سرنوشت‌ساز و حیاتی، زیان‌های سنگینی وارد خواهد کرد.ایشان سپس هفت توصیه مهم را برای همه کسانی که دل در گرو مسئله فلسطین دارند، بیان کردند.

«محدودنکردن موضوع فلسطین به یک مسئله صرفا فلسطینی و یا حداکثر عربی»، توصیه اول رهبر مقام معظم رهبری بود که دراین‌باره گفتند: مبارزه برای آزادی فلسطین علاوه بر اینکه جهاد فی‌سبیل‌الله و فریضه و مطلوب اسلامی است، یک مسئله انسانی است و آنهایی که سازش چند عنصر فلسطینی با حُکام چند کشور عربی را مجوز عبور از این مسئله اسلامی و انسانی می‌شمرند، به‌شدت دچار خطا در فهم مسئله و احیانا دچار خیانت هستند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیان دومین توصیه خود افزودند: هدف این مبارزه، آزادی همه سرزمین فلسطین از بحر تا نهر و بازگشت همه فلسطینیان به سرزمین خویش است؛ بنابراین فروکاستن آن به تشکیل دولتی در گوشه‌ای از این سرزمین، نه نشانه حق‌جویی است و نه نشانه واقع‌بینی، زیرا امروز میلیون‌ها فلسطینی به مرتبه‌ای از اندیشه و تجربه و اعتمادبه‌نفس رسیده‌اند که بتوانند این جهاد بزرگ را وجهه همت سازند و به نصرت الهی و پیروزی نهایی نیز مطمئن باشند.ایشان در توصیه سوم با تأکید بر لزوم توکل جامعه مسلمان غیور و دیندار در این جهاد بزرگ و مقدس به خداوند و اتکا به نیروهای درونی و دست قدرتمند خود و پرهیز از اعتماد به قدرت‌های ظالم غربی و مجامع وابسته جهانی و برخی دولت‌های دنباله‌رو و بی‌آبروی منطقه، گفتند: امروز دنیا یک‌به‌یک تعداد قربانیان کرونا را در سراسر جهان می‌شمارد، اما هیچ‌کس نمی‌پرسد قاتل و مسئول صدها هزار شهید، اسیر و مفقود در کشورهایی که آمریکا و اروپا در آن آتش جنگ را روشن کردند و مسئول این‌همه جنایت و غصب و تخریب و ظلم در فلسطین کیست؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه توصیه چهارم خود را خطاب به نخبگان سیاسی و نظامی جهان اسلام این‌گونه بیان کردند: سیاست آمریکا و صهیونیست‌ها انتقال درگیری‌ها به پشت جبهه مقاومت و راه‌اندازی جنگ‌های داخلی برای سرگرم‌کردن جبهه مقاومت و فرصت‌دادن به رژیم صهیونیست است، همانند کاری که در سوریه، یمن و در عراق با ایجاد داعش انجام دادند. راه جلوگیری از این سیاست خباثت‌آمیز، خواست و مطالبه جدی جوانان غیرتمند در جهان اسلام و توجه به توصیه امام خمینی عظیم است که فرمود هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا - و نیز البته دشمن صهیونیست- بکشید.مقام معظم رهبری در توصیه پنجم خود، به سیاست آمریکا با کمک پادوهای منطقه‌ای آن برای عادی‌سازی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه و قبول آن به‌عنوان یک واقعیت اشاره کردند و گفتند: باید با واقعیت‌های مهلک و زیان‌بخش مبارزه کرد و همان‌طور که امروز انسان‌های باشعور، مبارزه با کرونا را واجب می‌دانند، مبارزه با ویروس دیرپای صهیونیسم نیز ضروری است و دیری نمی‌پاید که این ویروس به همت و ایمان و غیرت جوانان، از منطقه ریشه‌کن خواهد شد.

اصلی‌ترین توصیه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ششمین توصیه ایشان مبنی بر «تداوم مبارزه و گسترش عرصه جهاد در همه سرزمین‌های فلسطینی» بود.

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه همه باید ملت فلسطین را در این جهاد مقدس یاری کنند و جمهوری اسلامی با افتخار هرچه در توان داشته باشد در این راه انجام خواهد داد، گفتند: یک روز تشخیص بر این شد که مبارز فلسطینی، دین و غیرت و شجاعت دارد، اما دست او تهی از سلاح است؛ بنابراین به مدد الهی برنامه‌ریزی انجام گرفت و موازنه قدرت در فلسطین دگرگون شد، به‌گونه‌ای که امروز غزه می‌تواند در برابر تهاجم نظامی دشمن صهیونیست بایستد و بر آن پیروز شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه این تغییر معادله قدرت در بخش موسوم به سرزمین‌های اشغالی، قضیه فلسطین را به گام‌های نهایی نزدیک خواهد کرد و تشکیلات خودگران در این امر تکلیف بزرگی بر عهده دارد، افزودند: با دشمن وحشی جز با اقتدار و از موضع قدرت نمی‌توان سخن گفت. زمینه این اقتدار بحمدالله در ملت شجاع و مقاوم فلسطین آماده است و جوانان فلسطینی امروز تشنه دفاع از کرامت خویش هستند.

ایشان خاطرنشان کردند: حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و حزب‌الله در لبنان، حجت را بر همه تمام کرده‌اند و دنیا مجبورشدن ارتش جنایت‌کار صهیونیستی به عقب‌نشینی از جنوب لبنان زیر ضربات کوبنده حزب‌الله و التماس برای آتش‌بس را فراموش نخواهد کرد و این یعنی دست پُر و موضع قدرت.

مقام معظم رهبری با اشاره به اقدام اخیر یک دولت اروپایی در غیرقانونی اعلام‌کردن حزب‌الله مجاهد و سرافراز گفتند: غیرقانونی رژیمی مثل آمریکاست که داعش را تولید می‌کند و رژیمی همانند آن دولت اروپایی است که هزاران نفر در بانه ایران و حلبچه عراق بر اثر مواد شیمیایی‌اش به کام مرگ می‌روند و باید تا ابد شرمسار باشد.حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در هفتمین توصیه خود با تأکید بر اینکه فلسطین متعلق به همه فلسطینیان است و باید با اراده آنان اداره شود، بار دیگر طرح جمهوری اسلامی برای برگزاری همه‌پرسی از همه ادیان و اقوام فلسطینی را مطرح و خاطرنشان کردند: این طرح نشان می‌دهد که ادعای یهودی‌ستیزی که در رسانه‌های غربی تکرار می‌شود، به‌کلی بی‌اساس است.

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه آنچه قطعا باید برود نظام صهیونیستی و صهیونیسم است، در پایان یاد شهیدان قدس از شیخ احمد یاسین و فتحی شقاقی و سیدعباس موسوی تا سردار بزرگ اسلام و چهره فراموش‌نشدنی مقاومت شهید قاسم سلیمانی و مجاهد بزرگ عراقی شهید ابومهدی المهندس و دیگر شهدای قدس را گرامی داشتند و از خداوند متعال برای مرحوم حسین شیخ‌الاسلام که سالیانی را در راه فلسطین و آرمان قدس تلاش کرد، رحمت الهی مسئلت کردند.

بررسی حقوقی تحریم مقامات ایرانی از سوی آمریکا

می‌توان در لاهه علیه آمریکا طرح دعوا کرد

شرق: تحریم مسئولان ایرانی در کنار اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران توسط کشور آمریکا به موضوعی معمولی تبدیل شده است و گاهی فهرستی جدید از تحریم‌ها منتشر می‌شود.

آمریکایی‌ها که در این دوره ۴۰ساله، از هر ابزاری برای فشار بر ایران استفاده کرده‌اند؛ از جنگ تحمیلی تا جنگ اقتصادی سال‌های اخیر و از هیچ کوششی برای ضربه‌زدن به ایرانیان فروگذار نکرده‌اند. در هفته گذشته نیز اسامی جدیدی از مسئولان ایرانی را در فهرست تحریم‌های خود قرار دادند که عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، در واکنش به این تحریم‌ها در توییتر نوشته است:

«مجددا حربه زنگ‌زده تحریم از سوی رژیم آمریکا علیه وزیر کشور و برخی فرماندهان نیروی انتظامی به کار گرفته شد. ترامپ باید بداند که این‌گونه تحریم‌ها مانند تحریم برخی اعضای شورای نگهبان هیچ خللی در عزم جدی مردم در مبارزه علیه سیاست‌های خصمانه آمریکا ندارد و مقاومت ادامه خواهد داشت».

سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در واکنش به تحریم‌های اخیر گفته است: تحریم بی‌حاصل، تکراری و کور رژیم ایالات متحده آمریکا علیه وزیر کشور، فرمانده نیروی انتظامی و سایر مقامات کشورمان نشانه ضعف، استیصال و سردرگمی رژیم آمریکاست.

در گفت‌وگو با سیدحمیدرضا موسوی، پژوهشگر حقوق عمومی دانشگاه تهران، به ابعاد حقوقی این تحریم‌ها پرداخته‌ایم و به‌دنبال پاسخ این پرسش بودیم که راهکار حقوقی ایران برای مقابله این با تحریم‌ها چیست و آیا قوانین بین‌الملل حامی ایران در این موارد خواهند بود یا خیر؟

سیدحمیدرضا موسوی، پژوهشگر حقوق عمومی دانشگاه تهران و وکیل دادگستری، در گفت‌وگو با «شرق» در بررسی ابعاد حقوقی تحریم مقامات ایرانی توسط آمریکا گفت: حسب اطلاع واصله مجددا برخی از مقامات لشکری و کشوری ایران از حمله وزیر کشور و اعضای شورای نگهبان و برخی نهادهای قضائی مثل زندان تهران بزرگ و... از سوی آمریکا تحریم شدند.

تحریم خصمانه‌ترین گزینه غیرنظامی در روابط بین‌المللی تلقی می‌شود، چنان‌که تحریم در منشور ملل متحد، به‌عنوان آخرین روش پیش از توسل به زور از سوی شورای امنیت در فصل هفتم منشور ملل متحد (ماده ۴۱) در نظر گرفته شده است.

به گفته این حقوق‌دان، تاریخ روابط بین‌الملل نشان داده تحریم‌های سنتی دولت مورد تحریم را کاملا تحت فشار قرار نمی‌دهد، بلکه موجب فشار به شهروندان و گروه‌های غیردولتی می‌شود. برای جلوگیری از این آسیب، تحریم اشخاص حقیقی به ادبیات حقوق بین‌الملل اضافه شد. در واقع اشتراک همه تحریم‌ها این است که تمام آنها علیه «دولت» به کار برده شده‌اند.موسوی ادامه داد: تمام تلاش حقوق بین‌الملل این بوده تا این تحریم‌ها صرفا دولت مسئول را هدف قرار دهد و به اهداف ثالث، از جمله شهروندان آن دولت لطمه‌ای وارد نیاید.

او با بیان این جمله که «در حقوق بین‌الملل، هدف از تحریم، الزام دولت متخلف به رعایت تعهدات بین‌المللی است»، افزود: به‌همین‌دلیل این هدف جز از طریق تحریم سازوکارهای دولتی ممکن نیست. تحریم دولت، اشکال مختلف نظامی، دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری، ارتباطی و... دارد که تحریم‌های اقتصادی، پرکاربردترین آنهاست.

این حقوق‌دان در ادامه خاطرنشان کرد: بااین‌حال در سال‌های اخیر به‌دلیل شکل‌گیری گروه‌های شبه‌دولتی مانند القاعده و همچنین نقش‌آفرینی اشخاص در اقدامات بین‌المللی، سازمان ملل متحد، اشخاص حقیقی را موضوع تحریم خود قرار داد که اقدامی بی‌سابقه در تاریخ تحریم‌های سازمان ملل متحد بوده است. تحریم اشخاص حقیقی در حوزه امور مالی، مسافرتی و تحصیلی قرار می‌گیرد. تحریم مالی و مسافرتی تعدادی از اتباع کشورهای مختلف به اتهام فعالیت در تروریسم بین‌المللی، نقش‌آفرینی در نقض حقوق بشر و مشارکت در برنامه‌های موشکی و هسته‌ای انجام شده است. تحریم اشخاص حقیقی از سوی سازمان ملل با تحریم سایر سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه اروپا و دولت‌هایی نظیر آمریکا و انگلستان همراه بوده است.

این وکیل دادگستری توضیح داد: تحریم مسئولان دولتی از سوی یک سازمان بین‌المللی یا یک دولت، می‌تواند به دو صورت اعمال شود؛ گاه هدف این تحریم، جایگاه حقوقی شخص است که در این حالت با پایان دوران خدمت، تحریم اعمال‌شده نسبت به فرد نیز بلاموضوع می‌شود. گاه این تحریم علیه شخصیت حقیقی چنین شخصی است. وی افزود: همچنین تحریم اشخاص حقیقی به دو صورت است؛ تحریم اشخاص حقیقی دارای مسئولیت دولتی مانند مقامات لشکری و کشوری و تحریم اشخاص حقیقی غیردولتی مانند دانشمندان هسته‌ای.

موسوی با نگاهی به منشور ملل متحد خاطرنشان کرد: هرچند ماده ۴۱ منشور ملل متحد، تحریم اشخاص حقیقی را در راستای حفظ یا اجرای صلح و امنیت بین‌المللی منع نکرده، احتراما این تحریم‌ها در مواردی با نقض اصولی از حقوق بین‌الملل عمومی همراه است؛ برای مثال درباره اشخاص حقیقی دولتی برخی تحریم‌ها با هدف توقیف اموال و دارایی‌های دولتی اعمال می‌شود که مغایر با اصل مصونیت اموال دولتی است. مصونیت‌های دیپلماتیک و کنسولی در کنوانسیون وین راجع به روابط دیپلماتیک مورخ ۱۹۶۱ و کنوانسیون درباره حقوق و مزایای روابط کنسولی مورخ ۱۹۶۳ به رسمیت شناخته شده است؛ این مصونیت، شامل مصونیت از تعرض (آزادی رفت‌وآمد)، مصونیت از بازداشت و مصونیت اموالشان می‌شود. با توجه به مصونیت‌های مأموران دیپلماتیک و کنسولی در این معاهدات، تحریم اشخاص حقیقی به‌صورت یک‌جانبه یا چندجانبه ممکن است از جنبه‌های مختلف با این تعهدات تعارض یابد.

این پژوهشگر حقوقی با بیان این جمله که «این تعارضات درباره اعمال تحریم علیه اشخاص حقیقی غیردولتی به‌مراتب بیشتر است»، افزود: آزادی رفت‌وآمد و حق انتخاب اقامتگاه به‌عنوان حق فرعی آزادی رفت‌وآمد یکی از حقوق بشر است که در ماده ۱۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است که این حق با تحریم مسافرتی اشخاص حقیقی تضییع می‌شود. حق بر مالکیت یا حق بر دارایی ناظر به مالکیت خصوصی افراد است که در اسناد و تعهدات بین‌المللی متعدد به رسمیت شناخته شده است. بر این اساس تحریم اموال اشخاص حقیقی با این حق در تعارض است.

او در ادامه توضیح داد: حق بر رسیدگی عادلانه یکی از اصول حقوق بشر است که در ماده ۱۴ میثاق حقوق بشر مدنی و سیاسی و سایر اسناد منطقه‌ای تأیید شده که شامل حق بر اطلاع، حق بر دفاع و حق بر تجدیدنظر قضائی می‌شود. طبق این اصل لازم است تا امکان بررسی قضائی تصمیم‌های موجد تحدید حقوق افراد توسط دولت‌ها فراهم شود که در رابطه با تحریم اشخاص این امکان و حق نیز از اشخاص سلب می‌شود؛ بنابراین نقض این تعهدات می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت‌های اعمال‌کننده تحریم را به‌دنبال داشته باشد.

این حقوق‌دان در پاسخ به این پرسش که راهکار ایران برای برخورد با این‌گونه تحریم‌ها چیست، گفت: امکان اعتراض به اجرای این تحریم‌ها در نهادهای ملی و منطقه‌ای حقوق بشر از جمله دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه اروپایی دادگستری برای کسانی که مستقیم از تصمیم‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا متضرر شده‌اند، وجود دارد. درباره آمریکا نیز در فرضی که در راستای تحریم اشخاص حقیقی به‌ویژه اشخاص دولتی، اموال دولتی ایران توقیف می‌شود، می‌توان در دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه علیه آمریکا طرح دعوا کرد تا امکان بررسی قضائی تصمیم‌های موجد تحدید حقوق افراد از سوی دولت‌ها، فراهم شود که در رابطه با تحریم اشخاص این امکان و حق نیز از اشخاص سلب می‌شود؛ بنابراین نقض این تعهدات می‌تواند مسئولیت بین‌المللی دولت‌های اعمال‌کننده تحریم را به‌دنبال داشته باشد.

روزنه

عارف به رئیسی نامه نوشت

آخرین تلاش «امید» برای تغییر حکم صادقی

• **شرق:** فراکسیون امید آخرین تلاش‌هایش را معطوف به پرونده محمود صادقی کرده است؛ نماینده‌ای که در طول چهار سال در مقاطع مختلف مورد هجمه اصولگرایان و تندروها قرار گرفت، اما تغییری در مشی خود نداد. صادقی به‌تازگی به ۲۱ ماه حبس محکوم شده و حکمش در مرحله تجدید نظر نیز عینا تأیید شده است. محمدرضا عارف، رئیس فراکسیون امید، وارد رایزنی با رئیس دستگاه قضا شده است. جلال میرزایی، عضو فراکسیون امید، به «ایسنا» گفته «آقای دکتر عارف از همان ابتدا که در جریان حکم صادرشده برای آقای صادقی قرار گرفت، نامه‌ای را به آقای رئیسی نوشت و مجددا آن را پیگیری کرد تا رئیس قوه قضائیه موافقت کند که ماده ۴۷۷ در ارتباط با پرونده دکتر صادقی اعمال و در حکم صادره برای ایشان، با نظر رئیس قوه قضائیه تجدید نظر شود». او توضیح داد: «در آخرین جلسه فراکسیون امید که سه‌شنبه گذشته برگزار شد، بعد از اینکه آقای صادقی توضیحاتی را درباره حکم قطعی صادرشده برای خود دادند، دراین‌باره صحبت‌هایی شد که یکی از آنها پیگیری شخص دکتر عارف بود که البته این پیگیری پیش از جلسه انجام شده بود و آقای مطهری نیز پیشنهادی برای ارسال نامه به رئیس قوه قضائیه داشت». میرزایی اضافه کرد: «در کشوری که مدعی پاسداری از حقوق شهروندی است، زیبنده نیست قوه قضائیه برای نماینده‌ای به خاطر به‌کاربردن یک لفظ، حکم جلب صادر کند». از سوی دیگر، علی مطهری نیز در همین راستا نامه‌ای تنظیم کرد که ۲۱ امیدی هم پای آن را امضا کردند. مطهری البته پیش از این هم در نامه‌ای به رئیس دستگاه قضا از او خواسته بود در حکم صادقی تجدید نظر شود؛ اتفاقی که البته رخ نداد. در نامه اخیر خطاب به رئیس قوه قضائیه آمده: «ایشان[صادقی] بابت به‌کاربردن کلمه «مزخرفات» در ارتباط با نطق تند رئیس سابق قوه قضائیه، به هفت ماه حبس محکوم شده است. این در حالی است که وی در سخنرانی بعدی خود عذرخواهی کرده است و اخیرا جناب آقای صادق لاریجانی هم گفته‌اند من شکایتی ندارم. لذا این میزان مجازات، عادلانه به نظر نمی‌رسد. جناب آقای دکتر صادقی به خاطر همراهی‌نکردن مأمورانی که برای اجرای حکم جلب او در شب ۲۸ صفر به در منزل او آمده بودند، به چهارده ماه حبس محکوم شده است. این در حالی است که اساسا آن حکم جلب غیرقانونی بوده؛ زیرا ابتدا باید نظر هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان اعلام می‌شده است که آیا سؤال و سخنان آقای صادقی درباره حساب‌های قوه قضائیه خارج از حیطه وظایف نمایندگی بوده است یا خیر و هنوز نظری از طرف هیئت مذکور اعلام نشده بوده است. لذا این میزان مجازات نیز عادلانه به نظر نمی‌رسد». در این نامه تأکید شد: «علی‌هذا مستدعی است بر اساس اختیارات رئیس قوه (ماده ۴۷۷) به این پرونده ورود نمایید و اجازه ندهید حق ایشان ضایع شود و در آینده نیز حریت و آزادگی نمایندگان مخدوش گردد».

چرا صادقی به زندان محکوم شد؟

محمود صادقی به اتهام تمرد از قانون و توهین به رئیس قوه قضائیه، به ۲۱ ماه حبس محکوم شده است. او در سال ۱۳۹۵ در مجلس ایران از آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی، رئیس وقت این قوه، خواسته بود درباره شایعه واریز هزاران میلیارد تومان از حساب‌های این نهاد حکومتی به حساب‌های شخصی خود توضیح دهد. صادقی در توضیح شکایت‌ها به «شرق» گفته بود: «مجموعه‌ای شکایت عمدتا از طریق دادسرای فرهنگ و رسانه انجام شده بود که گزارش آن به هیئت نظارت بر عملکرد نمایندگان نیز ارجاع شده بود. در نهایت همگی در مجتمع کارکنان دولت تجمیع شدند که البته یک پرونده به دادگاه انقلاب رفت که آن‌هم به مجتمع کارکنان دولت برگشت». به گفته او، در چهار مورد دادگاه رأی به محکومیت داده و در باقی موارد تبرئه شده است: «هفت ماه حبس برای اتهام توهین به رئیس قوه قضائیه و ۱۴ ماه حبس هم برای تمرد در برابر مأمور قانون صادر شده است». نکته اینجاست که با تغییر رئیس قوه قضائیه، یکی از نخستین تغییرات در این نهاد مربوط به حساب‌های دستگاه قضا بود؛ حساب‌هایی که از ۶۳ به پنج حساب رسید؛ اما طبق توضیح صادقی، شکایت‌ها را دادستان تهران پیگیری کرده بود: «برخلاف اخباری که منتشر شده است، خود شخص آملی‌لاریجانی به‌طور مستقیم شکایت نکرده است. جالب است بدانید شاکی عمده شکایت‌های انجام‌شده، دادستان تهران بوده است یا خود او یا دادیار جانشین دادستانی تهران این شکایت‌ها را ثبت کرده‌اند». جعفری‌دولت‌آبادی پس از تغییر رئیس قوه قضائیه و در روزهای پایانی مسئولیت خود نیز «کیفرخواست همه پرونده‌هایی را که در دوره ریاست قبلی قوه تشکیل شده بودند، صادر کرد».